

مثل تو چون مورچه ای است ۱ که در قصر ملکی سوراخی دارد ۲؛ جز غذای خویش
ویاران خویش چیزی نمی بیند ۳؛ واز جمال صورت قصر و بسیاری غلامان و سریر ملک
وی، هیچ چیز ندارد ۴. اگر خواهی ۵ به درجه ی مورچه قناعت کنی ۶، می باش ۷ و اگر نه
راحت داده اند ۸ تا در بستان معرفت حق تعالی، تماشا کنی ۹ و بیرون آیی ۱۰. چشم باز
کن ۱۱ تا عجایب بینی ۱۲ که مدهوش و متحیر شوی ۱۳.

تدریس درس چهارم ادبیات نهم توسط استاد ابراهیم بای وباتشکر از تدریس خوب ایشان.

صفحه نخست

□ نکته های دستوری

رویارو: از نظر ساختمان وندی مرکب

شکیبا: صفت فاعلی

جسمانی: صفت نسبی

غمگین: صفت نسبی

ذوقی چنان: دراصل چنان ذوقی است و چنان صفت اشاره می باشد.

□ نکته واژگانی:

واژه صحبت در متون ادبی با دو معنی "هم نشین و سخن گفتن" به کار می رود.

در متون کهن بیش تر به معنی "هم نشین" به کار رفته است.

□ نکته های ادبی:

مصاحبت با یک دوست خوب و شکیبا: مشبه

همچون: ادات تشبیه

وزش نسیم دل انگیزی: مشبه به

احساس آرامش و سبکی و صفای درون را در ما زنده می سازد: وجه شبه

دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد؟: مشبه

ابری که در بیابان بر تشنه ای بیارد: مشبه به

(تشبیه مرکب)

بی در کلمه بی دوست هر چند به معنای بدون است ولی به نظر انسان بی دوست یک

ترکیب وصفی است، پس بی دوست روی هم یک صفت

صفحه دوم

□ نکته های دستوری:

"چه بسیارند کسانی که لاف دوستی می زنند"

چه بسیار: قید

ند: فعل، مخفف "هستند" و غیراسنادی است

نکته: هرگاه از مصدر "هستن" فعلی درمعنای "وجود داشتن" باشد آن فعل غیراسنادی است و مسند نمی گیرد.

کسانی که لاف دوستی می زنند: نهاد

"یاربد بدتر بود از ماربد"

بود: فعل مضارع است به معنی باشد

"ماربد، تنها تو را بر جان زند"

نوع را، رای فک اضافه می باشد.

معنی مصراع: مار بد، تنها بر جان تو آسیب می زند.

□ نکته های ادبی:

کسانی که لاف دوستی می زنند: مشبه (تشبیه مرکب)

گرگ هایی در جامه گوسفندان هستند: مشبه به

تضاد بین "گرگ ها و گوسفندان" و همچنین کنایه در "گرگ درلباس گوسفند بودن"

جناس بین "یار و مار"

این دو بیت باهم موقوف المعانی هستند و تلمیح دارد.

صفحه سوم

□ نکته های دستوری:

روزی چند = چند روزی

"هم نشین تو از تو به باید/تا تو را عقل و دین بیفزاید"

به مخفف بهتر

باید: قید تاکید

تو را: نوع را، رای حرف اضافه و در نتیجه نقش واژه ی تو "متمم" است.

عقل و دین: مفعول

معنی روان مصراع دوم: تا به تو عقل و دین را بیفزاید.

نکته: فعل بیفزاید گذرا به مفعول و متمم است.

□ □ نکته: باید در اصل فعل مضارع است اما گاه از حالت فعلی خارج می گردد و

حالت قید تاکید می گیرد.

□ نکته های ادبی:

ارسال مثل در بیت "آفتابی بدین بزرگی را..."

تضاد بین "پاک و پلید" و "بزرگ و لکه"

□ نکته واژگانی:

"پی نیکان گرفت و مردم شد"

مردم شد: خوی و جایگاه انسانی (بسیار ارزشمند) پیدا کرد.

□ □ دلیل مقایسه ی پسر نوح را با سگ اصحاب کهف:

□ تاثیر هم نشین نیک و هم نشین بد را بیان کرده. در واقع می گوید انسان اگر فرزند پیامبر هم باشد ولی هم نشین خوبی نداشته باشد از جایگاه انسانی خود خارج می شود. و اگر جایگاه بسیار پایینی داشته باشد اما به وسیله هم نشین نیک می تواند جایگاه بسیار ارزشمندی بیابد. خداوند در قرآن نیز سگ اصحاب کف را با اصحاب کف با احترام ذکر نموده است.

نهیم

تدریس درس پنجم (آزاد)

مدرس سرکار خانم غیاث

تورا ای کهن بوم وبر، دوست دارم.

تورا ای گرانمایه، دیرینه ایران زمین /

...تورا / ای گرامی گوهر، دوست دارم.

□ نکات دستوری و ادبی: